

کوتاه از دیپلماسی

دیدار ظریف با وزیر خارجه و معاون اول نخست‌وزیر کوبا

• ایسنا: وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در ادامه دیدارهای خود در سفر به هاوانا، با معاون اول نخست‌وزیر کوبا دیدار و گفت‌وگو کرد. در دیدار محمدجواد ظریف با ریکاردو کابریسس، معاون اول نخست‌وزیر کوبا، دو طرف روابط خوب سیاسی و همکاری و هماهنگی دو کشور در مجامع بین‌المللی را ستودند. دو طرف همچنین بر لزوم توسعه همکاری‌ها در زمینه‌های اقتصادی، به‌ویژه انرژی و تجاری میان دو کشور تاکید کردند. ظریف همچنین با همتای کوبایی خود دیدار و گفت‌وگو کرد. در دیدار ظریف و برونو رودریگز، دو طرف توسعه همکاری‌های دوجانبه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی را محل بررسی و تاکید قرار دادند. حمایت دو کشور از آرمان فلسطین، همکاری‌های دو طرف در حوزه‌های انرژی، نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی و همچنین هماهنگی دو کشور در مباحث مرتبط با آمریکای لاتین و خاورمیانه از جمله موضوعات این گفت‌وگو بود.

درب‌ی اظهاراتی علیه ایران

کمیسیون انضباطی مجلس آذربایجان، محرم‌اف را توبیخ کرد

• ایسنا:کمیسیون انضباطی مجلس ملی آذربایجان، بهروز محرم‌اف، نماینده این کشور را به‌دلیل اظهارات ضدایرانی‌اش توبیخ کرد. به گزارش پایگاه خبری قفقازنیوز، جلسه کمیسیون انضباطی مجلس ملی آذربایجان روز گذشته برگزار و موضوع اقدام مشمول موارد انضباطی بهروز محرم‌اف، نماینده مجلس ملی این کشور، در آن بررسی شد. اعضای این کمیسیون هشدار دادند که دیدگاه‌های بیان‌شده از سوی محرم‌اف درباره ایران در جلسه عمومی مجلس ملی در تاریخ ششم نوامبر ۲۰۲۰، با ماهیت روابط دوستانه و همسایگی میان ایران و آذربایجان مغایر است و او همیشه باید در سخنانش مسئولانه رفتار کرده و منافع ملی آذربایجان را در نظر بگیرد. اعضای کمیسیون همچنین گفتند دیدگاه‌های بیان‌شده از سوی محرم‌اف، منعکس‌کننده دیدگاه مجلس نیست. همچنین اعلام شد: اطمینان داریم هیچ‌کس نمی‌تواند به روابط دوستانه ایران و آذربایجان آسیب برساند و مجلس ملی آذربایجان بهروز محرم‌اف را توبیخ و علیه او مجازات اعمال خواهد کرد. حکمت حاجی‌اف، دستیار رئیس‌جمهور آذربایجان نیز در گفت‌وگو تلفنی با سفیر جمهوری اسلامی ایران، ضمن رد این اظهارات و اعلام برائت از آن گفت: تذکرات جدی لازم به این فرد داده شده و موضوع جمهوری آذربایجان قدرانی از حمایت‌ها و مواضع صادقانه و عادلانه کشور دوست، برادر و همسایه جمهوری اسلامی ایران، در بحران و جنگ قره‌باغ است. او افزود: همان‌طور که قبلاً اعلام کردیم، همه مقامات عالی آذربایجان از موضع سازنده و عادلانه رهبر عالی ایران، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، خشنود هستند و آن را توام با حسن‌نیت و سازنده می‌دانند و سخنان این نماینده به‌هیچ‌وجه موضع دولت و مقامات رسمی جمهوری آذربایجان نیست.

بانک مرکزی:

محکومیت بانک‌های ایرانی در بحرین و جاهت قضائی ندارد

• ایسنا:مرتضی اعتباری، مدیر اداره بررسی‌های حقوقی بانک مرکزی، درباره انتشار اخباری مبنی‌بر محکومیت برخی بانک‌های ایرانی در دادگاه‌های بحرین گفت: تاکنون هیچ ابلاغ قانونی از بحرین برای بانک‌های ایرانی ازجمله بانک مرکزی که متضمن نام متهم، موضوع اتهام، وقت رسیدگی و مرجع رسیدگی‌کننده به اتهام و دلایل مورد استناد باشد، ابلاغ نشده و اگر رای یا آرائی به محکومیت صادر شده باشد، به معنای فرمایشی و سیاسی بودن رای یا آرای اشاره‌شده بوده و از منظر حقوقی، فاقد اعتبار و وجاهت قضائی و مخدوش است؛ چراکه حق دفاع و پاسخ‌گویی به اتهام، رعایت نشده است. مدیر اداره بررسی‌های حقوقی بانک مرکزی با بیان اینکه هرگونه اقدام اجرائی که بر اساس چنین آرائی انجام شود، دارای ایراد بوده و محکوم به بطلان است، تاکید کرد: چنانچه آرای احتمالی یادشده به شکل قانونی ابلاغ شود، در زمان مقتضی و از سوی اشخاص مرتبط به آن پاسخ حقوقی لازم داده خواهد شد.

آگهی تغییرات شرکت ایرسا صنعت بینا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۱۰۳۱ و شناسه ملی ۰۸۱۱۳۰۷۰۱۵۵ به استناد صورتحلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۰۷/۲/۱۳۹۹ تصمصمات ذیل اتخاذ شد :
۱. آقایان محمد ابراهیم پور شماره ملی ۰۷۹۰۳۹۳۰۲۱۲ و احمدرضا سلیمان میگوینی شماره ملی ۰۴۴۶۷۸۷۵۹۰۰۶۶۸۶۹۵۳۴۹ و خانم زهرا ضمیری آذر شماره ملی ۰۴۴۶۷۸۷۵۹۰۰۴۶۸۶۷۸۷۵۹ بعنوان اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند.
۲. آقایان حمید عبدالمجید شماره ملی ۰۷۳۰۵۳۶۸۶۰۰۲ به سمت بازرس اصلی و سروش خفرایی شماره ملی ۰۶۳۴۴۲۱۱۰۰۶۳۴۴۲۱۱ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان قزوین اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری قزوین (۱۰۳۸۹۹۱)

شرق: اگر صحبت‌های مقامات ایران درباره انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا را دنبال کرده باشید، بیش از یک سال است که این جمله را به اشکال مختلف می‌شنوید: «برای ما فرقی نمی‌کند». رئیس‌جمهور، وزیر خارجه، سخنگوی دولت، سخنگوی وزارت خارجه، معاون وزیر خارجه و دیگر مقامات بارها گفته‌اند ایران نه ترجیحی بین گزینه‌های مختلف ریاست‌جمهوری آمریکا یا دو حزب بزرگ سیاسی این کشور، حزب دموکرات و حزب جمهوری‌خواه قائل است و نه حاضر است خود را به‌عنوان مهره‌ای در رقابت بین این دو قرار دهد و بخشی از بازی سیاسی یکی از دو طرف شود.

نکته دوم، البته مسئله‌ای است که با معیارهای حقوق و منافع ملی و قواعد روابط دیپلماتیک توضیح داده می‌شود و علل و دلایل مشخصی دارد. مشخصا درباره آمریکا می‌توان ادعا کرد تنها بازیگر صحنه بین‌المللی که حاضر شد خود را وارد بازی کند، بنامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل بود که در سه مرحله، در حمایت از سیاست زمامتی، در مخالفت با باراک اوباما و در حمایت از دونالد ترامپ، فراتر از تعامل با مقامات رفت و رسماً وارد مرحله جانب‌داری سیاسی شد. او البته در دوره اوباما بابت این اقدام هزینه داد و موضع‌گیری‌های چند روز پیش از انتخاباتش نیز نشان داد با جدی‌شدن شانس جو بایدن، در تلاش برای جلوگیری از هزینه‌دادن دوباره در دوران رئیس‌جمهور دموکرات است. درباره مسئله اول که بی‌تفاوتی موضوع برای ایران باشد، نگاه بسیاری از تحلیلگران با موضع رسمی اعلام‌شده از سوی دولت تفاوت داشت و حتی برخی این نوع موضع‌گیری از سوی دولتی‌ها را در راستای نکته دوم می‌دانستند.

فرق دارند اما…

اما وزیر خارجه ایران در سفری که به کشورهای آمریکای لاتین داشته، در یک مصاحبه موضعی متفاوت با موضع تکرار‌شده مقامات ایران را اعلام کرد و البته این حرف در شرایطی زده شد که شمارش آرای ایالات متحده آمریکا در جریان بود و هر لحظه بیش از پیش به نظر می‌رسید که دوران ریاست‌جمهوری ترامپ رو به پایان است. خالی از لطف نیست که کمی پیش‌تر از این، حسن روحانی، رئیس‌جمهور، موضع ایران را این‌طور شفاف کرده بود که «برای ایران شیوهای که آمریکا در پیش می‌گیرد مهم است، نه فردی که بر سر کار می‌آید؛ اما موضع تازه ظریف از این فراتر می‌رود. به گزارش ایسنا به نقل از شبکه تلئوس، محمدجواد ظریف درباره موضع ایران درباره نتیجه انتخابات آمریکا و اینکه آیا بر سر کار بودن دموکرات‌ها یا جمهوری‌خواهان در کاخ سفید تفاوتی دارد، گفت: «هنوز نمی‌دانیم که چه کسی پس از این انتخابات پیروز خواهد شد، اما معلوم است که تفاوتی میان این دو مورد وجود دارد، خصوصا در دوران دولت ترامپ که حتی اختلافاتی میان خود جمهوری‌خواهان نیز وجود داشت و دیپلماسی‌ای که دولت ترامپ به بسیاری از کشورها، اگرچه دیپلماسی زیادی هم

...«رقصدنه نیمه‌شب» را پشت‌سر گذاشته بود،

ایالات متحده آمریکا تا ۲۲۷ سال پس از آن با غرور خود را امیرا از امس چنین تجربه‌ای در تاریخ خود می‌دانست. بحران بزرگ اقتصادی سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ و هم‌زمان ناکامی باراک اوباما در پایان‌بخشیدن حقیقی به وضعیت بحرانی به این مقاومت طولانی پایان داد. توده آمریکا –متأثر از انواع بحران‌های حل‌نشده و مواجهه با پرسش‌های کلان سیاسی بدون پاسخ– پشت‌سر دونالد ترامپ قرار گرفت و او را به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات‌متحده برگزید. رویدادی که جیمز مدیسون، از بنیان‌گذاران حاکمیت آمریکا در اواخر قرن هجدهم، به‌شدت اضطراب وقوع آن را داشت.

ترامپ: کابوس جیمز مدیسون

مدیسون، سیاستمدار و چهارمین رئیس‌جمهور آمریکا که نقش بزرگی در نگارش قانون اساسی ایالات متحده داشت تا دو سال پیش از انقلاب فرانسه ایده دموکراسی آتی (دموکراسی مستقیم) را در ذهن داشت؛ اما در همان دوران توماس جفرسون از پاریس کتاب‌های بسیاری درباره دموکراسی‌های ناکام (پیتعا) دموکراسی‌های کهن و دولت‌های معاصر شکست‌خورده) برای او پست کرد. این متون مدیسون را به‌شدت تکان داد و تأثیر بسیاری بر او گذاشت تا سیستم نخیمجور الکترال را دقیقاً برای محافظت آمریکا از یک فاجعه «همواره» قریب‌الوقوع طراحی کند.

تسلیم‌شدن دموکراسی‌ها به حکمرانی توسط عوام‌فریبی و عوام‌گرایی، اما نقطه مطالعه گذشتگان نبود که مدیسون را به هراس از امکان بروز جنبش‌های عوام‌گرا با سویه‌های ویران‌کننده سوق داد. شورش شیز (ژنرال ندیل شیز) در شکل‌گیری این ذهنیت که اقتصاد– سیاسی بحران‌زا بطور می‌تواند به ظهور پوپولیسم ویرانگر منجر شود نقش پررنگی داشت. افزایش مطالبات، جمع‌آوری بدهی‌ها و فساد سیاسی به یک شورش پوپولیستی در غرب ماساچوست در سال‌های ۱۷۸۶ و ۱۷۸۷ منجر شد. به چشم مدیسون تاریخ در حال تکرار خود بود.

مدیسون کوشش بسیاری کرد تا به نخبران سیاسی ایالات متحده آموزش دهد در رقابت‌های سیاسی از تکیه بر عواطف و احساسات توده‌ها و قرارگرفتن در شکاف‌های اجتماعی حذر کنند. او در جزوه «فدرالیست شماره ۱۰» توضیح می‌دهد که نظام الکترال چگونه قادر خواهد بود کشور را در مقابل ظهور یک رهبر تفرقه‌را خد مضمون نگه دارد. تکنیک قدرت به‌شیوه مدیسون برای مقاومت در برابر تمایلات پوپولیستی رئیس‌جمهور طراحی شد. رهبر خردمندی که او در فدرالیست شماره ۵۷ توصیف می‌کند تقریباً هیچ شباهتی به رئیس‌جمهوری که چهار سال قبل به قدرت رسید، ندارد: «هدف از هر قانون اساسی سیاسی این است –یا باید این باشد– که اولاً با حکمرانی مردانی را برگزیند که

دیپلماسی

موضع تازه و متفاوت ظریف درباره آمریکا در سفر آمریکای لاتین

مشخص است بین بایدن و ترامپ تفاوت است



از آن ندیدیم، براساس تهدیدهای شخص او و وزیر امور خارجه‌اش بود؛ بنابراین تفاوت‌هایی وجود خواهد داشت». او البته بلافاصله تبصره‌ای به این حرف خود زد تا شاید پیام موضع جدید او مشخص‌تر شود: «اما چیزی که برای ما اهمیت دارد لحن و کلمات نیست، بلکه عملکردهاست. آمریکا فعالیتی غیرقانونی علیه ایران داشته است به‌دلیل اینکه به اقتصاد و مردم ما ملطمه زد و اگر می‌خواهد وضعیت تغییر کند، باید رویه‌اش را تغییر دهد». این صحبت ازسوی وزیر خارجه ایران نشان می‌دهد که ایران چه توقعی از دولت احتمالی جو بایدن خواهد داشت.

به عبارت دیگر، موضع ظریف در این گفت‌وگو را می‌توان اولین سیگنال ایران به دولت بعدی آمریکا دانست درباره اینکه پس از رفتن ترامپ، تعامل بین ایران و آمریکا و مسئله برجام چگونه می‌تواند پی گرفته شود. طبق این گفته ظریف، از نگاه ایران، دکمهای وجود ندارد که بایدن فشار دهد، چهار سال ترامپ را از صفحه تاریخ پاک کند و آنچه در دوران اوباما پی گرفته می‌شد، ادامه یابد، بلکه دولت احتمالی بایدن باید اقداماتی انجام دهد تا بتواند ضربه‌ای را که ترامپ به توافق و به قواعد دیپلماتیک زده جبران کند.

بازگشت به‌این سادگی نیست

ظریف این را در ادامه مواضعش تصریح می‌کند. وقتی درباره اینکه آیا امید به بازگشت آمریکا به توافق هسته‌ای که این کشور در سال ۲۰۱۸ از آن خارج شد، دارد یا نه، می‌گوید آمریکا باید آنچه را کنار زده، به دست بیاورد: «توافق هسته‌ای یک در چرخان نیست. آمریکا تصمیم گرفت که در آن توافق خارج شود و حالا باید یک صندلی پشت میز مذاکره این توافق به دست بیاورد. نکته این است که آمریکا حق نداشت از این توافق خارج شود، چراکه این توافق یک توافق دوجانبه میان ایران و آمریکا نبود و یک قطع‌نامه شورای امنیت است. اگر آمریکا می‌خواست از تعهدات این توافق رهایی یابد، باید از سازمان ملل خارج می‌شد، نه فقط از یک توافق». او هم‌زمان این نکته را هم گوش‌زد می‌کند که ایران در صحنه بین‌المللی توانسته نظر

عصر پساترامپ چگونه خواهد بود؟

بیشترین خردمندی در تشخیص امور به کار می‌برند و از بیشترین فضیلت در پیگیری خیر عمومی برای جامعه برخوردار است». مدیسون ادامه می‌دهد: «در مرحله بعد، بتواند مؤثرترین احتیاط‌ها را به خرج دهد تا آنها پرهیزگار بمانند و هم‌زمان اعتماد عمومی خود را حفظ کنند». مقاومت مدیسون در مقابل تکانه‌های پوپولیستی این خطر نبود که نمی‌دانست انسان‌ها فرشته نیستند («اگر انسان‌ها فرشته بودند هیچ حکومتی ضروری نبود»، بلکه به این سبب بود که درک می‌کرد در رویه معمول سیاست و کشورداری افراد نامؤخته و ناکارآمد مهای حکمرانی نیستند.

در اینجا منظور از پوپولیسم درواقع یک استراتژی است که سیاستمدار مبنای حکمرانی خود را بر توده‌های نامنسجم و پشیمانی نیرومند اما بی‌ثبات و غیرنهادینه آن قرار دهد و معنای مثبت آن به‌مثابه «مردم‌گرایی» که مورد حمایت فیلسوفانی همچون لاکلاون قرار گرفت و در دهه ۱۹۹۰ تحت عنوان جنبش‌های نئوپوپولیستی به مقابله با نولیبرالیسم پرداختند را مدنظر نداریم.

رجل سیاسی در آمریکا در قرن نوزدهم کبر او و مریز تقریباً آموزه‌های مدیسون در این مقوله را به‌جا آوردند. یک نقطه عطف در ایجاد تزلزل در ایده‌های مدیسون و گرایش به پوپولیسم از سوی کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری به سال ۱۹۱۲ بازمی‌گردد. در جریان انتخابات آن سال میان ثنودور روزولت و وودرو ویلسون با سنت‌شکنی هر دو تاکید کردند که رئیس‌جمهور اختیارات خود را به‌طور «مستقیم» از مردم می‌گیرد. از آن زمان دقیقاً کاندیداهای ریاست‌جمهوری و رؤسای جمهوری در مسیری گام برداشتند که بنیان‌گذاران به‌ویژه مدیسون، امید داشت از آن اجتناب شود: رؤسای جمهوری و کاندیده با تقاضاهای مطالباتی می‌تواند به‌طور مستقیم با رای‌دهندگان ارتباط برقرار می‌کردند و به عوام‌گرایی روی آوردند. بااین‌حال یک چیز از بروز مخاطره پوپولیسم و خیم و ویرانگر به معنایی که مدیسون و سیدیس آن را هول‌آور می‌دانستند، ممانعت می‌کرد: پیچیدگی‌های نخیمجور و چندلایه در گفت‌فراسیون‌های حزب‌جمهوری‌خواه و حزب دموکرات بود. انتخابات

اولیه برای انتخاب کاندیدای نهایی حزبی تقریباً همیشه

مانع از آن شده بود تا فردی که سیدیس «رقصدنه نیمه‌شب» یا «رهبر شورشی‌ها» می‌نامید به‌عنوان کاندیدای یکی از دو حزب اصلی وارد نبرد حیاتی برای تصاحب کاخ سفید و فرایند هیئوتیمز توده‌های بحران‌زده شود. بااین‌حال در سال ۲۰۱۶ به‌دلایل متعدد–دو بار ضد پوپولیستی آمریکا نهایتاً از میان برداشته شد. ظهور ترامپ چنان‌که جفری روزن، استاد سرشناس حقوق در شماره اکتبر ۲۰۱۸ آتلانتیک نوشت، تحقق نهایی کابوس مدیسون بود.

آغاز عصر تاریکی

از چهار سال ریاست‌جمهوری ترامپ می‌توان به‌مثابه «عصر تاریکی» یاد کرد. خرد (عصر اصلی روشننگری) به‌شکلی دهشتناک لگدکوب و عقلانیت به صلیب کشیده شد. ترامپ با موفقیت توانست الگوهای رفتاری خود را در جهان گسترش دهد، فتنه‌های خردستیزانه توانست در فرهنگ سیاسی بسازد، از دولت–ملتها دست را بپدا کند. تقریباً در تمام جوامع نیروهایی

موفق را نسبت به محق‌بودنش در مقابل ترامپ، تا حد زیادی جلب کند و در بحث حقوقی برجام، موضع پایین ندارد؛ وقتی درباره پایان یافتن تحریم تسلیحاتی ایران و شکست آمریکا در تلاش برای تمدید آن در شورای امنیت می‌گوید: «ما آمریکا را سه بار در شورای امنیت در سه ماه گذشته شکست دادیم و این نشان می‌دهد که جقدر سیاست فشار حداکثری آمریکا و زورگویی آن در جامعه بین‌المللی به انزوا کشانده شده است. این یک پیروزی برای ایران نیست اما پیروزی قوانین بین‌المللی، منشور سازمان ملل و قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل بود».

میراث ترامپ برای بایدن در قبال ایران

رئیس دستگاه دیپلماسی ایران البته یادآور می‌شود که آنچه در دوره ترامپ گذشته، فقط چند موضع‌گیری تند و خروج از یک توافق نبوده که حالا به‌آسانی بتوان از آن عبور کرد، بلکه مشخصاً به دو اقدام نظامی که دو کشور علیه هم انجام دادند اشاره می‌کند: ترور فرمانده نیروهای قدس سپاه ایران و اقدام متقابل ایران در حمله به پایگاه عین‌الاسد: «ما با هدف قرار دادن پایگاهی که این عملیات تروریستی در آن علیه سردار سلیمانی انجام شده بود، حمله درخوری علیه یک عملیات تروریستی انجام دادیم اما واقعیت ماجرا این است که آمریکا جنایتی بزرگ را مرتکب شد؛ پیامدهای آن جنایت بزرگ به‌ویژه پیامدهای جمعی آن و تأثیرش بر احساسات مردم مردم عراق همان‌طورکه در مراسم‌های تشییع سردار سلیمانی دیدید، در بی آمریکا خواهد بود. یکی از پیامدهایش این بود که پارلمان عراق از آمریکا خواست این کشور را ترک کند و من فکر می‌کنم این بهای نهایی آمریکاست که برای ماجراجویی، خصومت و تروریسمش در عراق علیه سردار سلیمانی می‌پردازد».

فشار بیشتر از این ممکن نیست

البته در همین مصاحبه او یادآور می‌شود که دولت ترامپ، ادامه پیدا کند یا نه اقدامی نمانده که علیه ایران انجام نداده باشد: «اساساً طبق همان چیزی که رابرت اوربرین، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، به رئیس‌جمهور ترامپ گفت، دیگر تحریمی برای آمریکا باقی نمانده است که بر ایران اعمال کند، بنابراین کاری کرده‌اند که تحریم‌هایشان ته کشیده است». آنچه ظریف به‌عنوان «ته‌کشیدن تحریم» از آن سخن می‌گوید، به‌طور بسیاری از تحلیلگران، از جمله عوامی بود که باعث شد سیاست فشار حداکثری در قبال ایران به اهداف خود نرسد. وقتی آمریکا تمام آزار را علیه ایران به‌کار برد و تمام هزینه‌ها را به خود و به ایران تحمیل کرد، به‌ویژه در شرایطی که مشخصاً شخص رئیس‌جمهور از ورود به تقابل نظامی گسترده و جنگ ابا داشت، موضوع وارد مرحله‌ای شد که دیگر چیزی برای تهدید ایران وجود نداشت و ندارد. دولت بعدی هر که باشد، فشار بر ایران را بیشتر از آنچه هست نمی‌تواند بکند و این، ترکیب گزینه‌های ممکن در ادامه راه را تا حد زیادی محدود می‌کند.

شکست خواهد خورد. انتقال قدرت در ۲۰ ژانویه بدون دردرسر صورت خواهد گرفت. اینجا و آنجا چند نفر از سیاستمداران جمهوری‌خواه از ادعاهای بی‌اساس او مبنی بر تقلب در انتخابات حمایت کرده‌اند و تظاهرات خیابانی پراکنده‌ای برقرار شده است، اما ترامپ و خانواده‌اش نمی‌توانند در بسج نخبران جمهوری‌خواه و همین‌طور بسج رای‌دهندگان برای شورش علیه «وضع واقعیت موجود» موفق شوند. در داخل بایدن تلاش خواهد کرد شکاف‌های زیادی را ترمیم کند و با لابی با جمهوری‌خواهان از حجم تخمید شدید حزبی که در دوران اوباما آغاز شد و در دوره ترامپ به اوج رسید، بکاهد. او احتمالاً ارزش و سیاست‌هایی را پیش خواهد کشید که از شانس توافق بیشتری در میان جریان‌های سیاسی و اجتماعی برخوردار هستند. پیش‌بینی می‌شود جو بایدن به چندجانبه‌گرایی جهانی به سبب باراک اوباما بازگردد. اتحاد مجدد ایالات متحده با اروپا کاستن از تنش‌ها با چین و بازگشت آمریکا به برجام و حذف تحریم‌ها علیه کشورمان قطعی خواهد بود. در عوض، روسیه و ترکیه ممکن است به مرکز سیاست‌های مهار دولت بایدن تبدیل شوند.

اگرچه تندباد تاریکی که مدیسون از آن بیمناک بود، به‌طور متوسط در آمریکا (و جهان) پایان یافته و جهان آماده است در دوره پساترامپ به سمت چیزهای بهتری گام بردارد. اما خبر بد این است که ترامپ نیز در انتخابات اخیر بیش از ۷۰ میلیون رای آورده است. به بیان دیگر، در سال ۲۰۱۶ نیرویی از چراغ خارج شد که پس از چهار سال ایالات متحده در سیاست‌های انتخاباتی آمریکا قدرتمندتر نیز شده است. دنایمک سیاسی چهار سال پیش‌رو نشان خواهد داد که دولت دموکرات بایدن چقدر در بازگرداندن غول به چراغ موفق خواهد بود. بحران‌ها در آمریکا به نظر پایدار

و عمیق می‌آیند و رفع‌وجوع آنها به‌سادگی ممکن نیست؛ بااین‌حال تادم امیدها این است که «فاجعه» به تأخیر انداخته شود». در مقابل خبر خوب این است که حامیان ترامپ در آمریکا در چهار سال اخیر نشان داده‌اند علاقه چندانی به جنبشی‌شدن ندارند و صرفاً مایل هستند در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری قدرت توده‌ای خود را به نمایش بگذارند؛ یعنی با غیبت «رقصدنه نیمه‌شب»، «هرچند ترامپ کوشش خواهد کرد در صحنه‌ها بماند) و نمایش «شکست‌پذیر» بودن «رهبر شورشی‌ها»، حامیان او آماده دل‌سردشدن از پروژه او و بیوستن به دیگر پروژه‌های سیاسی می‌شوند.

واکسینه‌کردن آمریکا در مقابل کرونا و عبور امن از این ویروس مرگ‌بار می‌تواند حرارت جرمه‌های آمریکا را قندری کاهش دهد و بایدن را به رهبری محبوب تبدیل و سنت «مدیسونی» را تا حدی احیا کند. هم‌زمان گشایش در فضای کسب‌وکار و یک رشد اقتصادی مؤثر می‌تواند این تصور را که ترامپ تنها کسی بود که می‌توانست «خوشبختی» اقتصادی را به همراه بیاورد، در میان حامیان سابق او ناپدید کند. بی‌تردید رقابت میان نخبران جمهوری‌خواه برای دردت‌گرفتن رهبری حزب در جریان انتخابات سال ۲۰۲۴ نیز بر مصائب و مسائل منشتر می‌کند، حقوق مطبوعات را هم نمایندگی کند. به باور نگارنده آدرس سرراست است. روز بیستم آبان اگر مدیر مسئول نشریه‌ای بودم، به چنین نامزدی رای می‌دادم.

ادامه از صفحه اول

نجفی این بار نماند

دیروز، شنبه صبح زود، جلسه‌ای را آغاز کرده بودم که ناگهان خبری از طرف دوست مشترکمان برایم فرستاده شد که بدترین خبر ممکن بود؛ نجفی پرواز کرد! شاید گفتنش سخت نباشد که محمدرضا شهید بود. مشکل قلبی ناشی از جراحات جانبازی او باز سراغش آمده بود؛ اما این‌بار نماند و روح بلندش به‌سوی خدا عروج کرد. گویی این جهان ظرفیت انسان‌های بزرگ را ندارد. جای خالی او در شرایط امروز کشور، بیش از پیش احساس خواهد شد. روحش شاد.

ویژگی نماینده مدیران مسئول

دیگر اعضای این هیئت، شغل دولتی دارند و درواقع عضویت در هیئت نظارت برای آنها سمتی حاشیه‌ای است. نماینده مدیران مسئول اگر روزنامه‌داری مستقل باشد، هیچ امکان و موقعیت دولتی‌ای ندارد و همین استقلال باعث می‌شود درد مطبوعات را بیشتر لمس و حس کند. به باور نگارنده نماینده مدیران مسئول باید در حال هوادار و پشتیبان مطبوعات و مدیران مسئول باشد. در پرونده جهان صنعت، متعاقب آن دادگاه وقتی وارد موضوع شد، با استقلال رای، دستور توقیف روزنامه جهان صنعت از کان لم یکن اعلام کرد اما اصلاً نباید کار به این نقطه کشیده شود. وقتی از حداقل امتیاز آگهی به روزنامه‌ها خودداری می‌کنند، باید نماینده مدیران مسئول جلوی این نابرابری را بگیرد. وقتی نماینده مدیران مسئول از بین مسئولان دولتی انتخاب می‌شود، یعنی مانعی برای کاندیداتوری مسئول دولتی نباشد، با تاسف وقتی به چنین کاندیدایی رای بدهند، نوعی تداخل وظایف به وجود می‌آید و نماینده‌ای که اتفاقاً مسئول دولتی هم هست، در تقابل با این نمایندگی و وظیفه دولتی خود به سمت گف‌سنگین‌تر می‌رود. معاون مطبوعاتی وزارتخانه و حراست و… بی‌تعارف نگاه به صندلی و جایگاه رسمی و استخدامی خود خواهد داشت. سابقه این نوع نگاه را می‌توان در گذشته تصمیمات نمایندگان مدیران مسئول که سمت دولتی داشتند یعنی دیده. پرسش این است: هم‌اکنون چند مدیرمسئول واجد شرایط داریم که روز بیستم آبان واجد شرایط کاندیداتوری باشند. پرسش دیگر این است: این تعداد مدیران مسئول آیا دغدغه انتشار روزنامه دارند یا اینکه اسم آنان بر بالای پروانه‌ای جا خوش کرده است که نمی‌دانیم و نمی‌دانند چگونه منتشر می‌شود. یارانه آن نشریه با توجه به سوابق دیگر نشریات توزیع و تقسیم می‌شود؟ تعداد پرسنل نشریه چند نفر است؟ ارتباط کاری بین مدیر مسئول و کسانی که نشریه را احیاناً منتشر می‌کنند، از نوع رابطه استیجاری نیست؟ پرسش این است: نظارت نمایندگی برای مدیران مسئول، این حق را به اعضای تحریریه روزنامه و نشریات می‌دهد که دآوری و اختلاف بین خود و مدیران مسئول را برعهده گیرند. اگر مدیرمسئولی حق و حقوق خبرنگار، عکاس و دیگر اعضای تحریریه را نادیده گفت، آیا نماینده مدیران مسئول در هیئت نظارت می‌تواند مرجعی باشد که اعضای شاکي روزنامه به او رجوع کنند و حداقل از او حمایت بخوانند؟ مطبوعات در ایران در خطوط مختلفی حرکت می‌کنند. تعدادی از مطبوعات وابسته به دولت یا نهادهای دولتی هستند، تعدادی از مطبوعات از سابقه و گذشته‌ای برخوردارند که یارانه به آنان می‌دهد و دغدغه چاپخانه، تحریریه و حتی محل سکونت پرسنل خود را ندارند و تاکیه بر گذشته دوری که نفارت قبلی آنان ایجاد کرده‌اند، بی‌دغدغه روزگار می‌گذرانند. تعدادی از رسانه‌ها به‌شتر جنبه آگهی‌پذیری و در نهایت کپی‌پیست مطبوعات چاپ‌شده در اینجا و آنجا را دارند. می‌ماند تعدادی از نشریات که مدیران مسئول آنها فی‌الواقع مدیر مسئول هستند؛ از مسئولیت مطالب چاپ‌شده در رسانه تحت مدیریت خود تا تألیف هر گزارش یا یادداشتی، از محل اجاره تا چاپخانه و حقوق پرسنل … چند نشریه داریم که مدیران مسئول آنها شب‌هنگام با دغدغه هزینه به رختخواب می‌روند و صبح با دغدغه تأمین آن از خواب بیدار می‌شوند و در طول روز ترس آن را دارند که پیکي از گرد راه رسیده دستور توقیف را به او ابلاغ کنند تا شرمندۀ خانواده نشریه خود نباشد. او در میدان است که هر مطلب یا نوشته‌ای می‌تواند مین کاشته‌شده در تحریریه روزنامه باشد. به باور نگارنده مطبوعات در شرایط موجود دوباره با اقبال عمومی روبرو می‌شوند که نماینده مستقل و قدرتمندی در هیئت نظارت بر مطبوعات داشته باشد که تنها به فکر میز دولتی نباشد بلکه با قدرت تمام، سینه را در مقابل ناراحتی‌ها از توزیع ناعادلانه بارانه‌ها تا توزیع آگهی‌ها و مهم‌تر از آن در مقابل هر نوع اخطار خارج از قاعده سپر کند. تا روزی که مطبوعات مستقل و حرفه‌ای که نماینده‌ای در هیئت نظارت بر مطبوعات نداشته باشند و به هر علت و دلیل مدیران مسئول به کسی رای دهند که جایگاه دولتی داشته باشد، در بر همین پاشنه خواهد چرخید. زمانی که به پای حقیقت برسیم که در بین اعضای عمدتاً انتصابی هیئت نظارت بر مطبوعات، یک نماینده مستقل که به‌صورت حرفه‌ای و با تکیه بر پشتوانه اعضای تحریریه نشریه خود و با درنظرگرفتن استقلال فکری نویسندگان و خوانندگان خود سر پا مانده و متعهدانه انتشار پیدا می‌کند، می‌تواند در جایگاه نماینده مدیران مسئول همان‌گونه که نشریه خود را بی‌وقفه با وجود همه مصائب و مسائل منشتر می‌کند، حقوق مطبوعات را هم نمایندگی کند. به باور نگارنده آدرس سرراست است. روز بیستم آبان اگر مدیر مسئول نشریه‌ای بودم، به چنین نامزدی رای می‌دادم.